

منشأ و مبدأ تمدن هند

نگارش و ترجمه عبدالباقیخان لطیفی

سرکاتب انجمن

در اینکه سیر نویسان مبالغه کار و سوانح نگاران روماتیکی بعضی اوقات میگویند که موها و محاسن نواع شات در يك روزی بسفیدی رسیده هندوستان نیز تنها در يك روز دو هزار سال بعمر خود افزوده توانست ؛ مدنیت آن که بنظر غریبون مداماً بسر رسیده و منقضی می آمد حالا خیلی چشم اکرام و احترام دیده میشود. قضیه افزوده شدن دو هزار سال بعمر هندوستان ده سال قبل اتفاق افتاد باین ترتیب که یکنفر عتیقه شناس هندی یکی از معابد بودستی را که در بالای بنی با اهمیتی واقع در صحراهای سند ساخته شده بود کاوش و امتحان می نمود این بنا علی الظاهر آنقدر يك بنای با اهمیت و قابل ملاحظه نبوده و تاریخ آن فقط از قرن دوم میلادی بعمر شروع میشده اما عتیقه شناس مذکور همینکه یکمقدار خاک را از روی آن دور نمود در زیر باهای او يك تعداد علامات و نشانیهای عجیب و غریبی پیدا شد - این اجناس نظیر هیچکدام چیزی که بیش ازین در هند دریافت شده بود نمی نمود بلکه علامات و آثار خیلی عتیقی را که نظیر آن در ایران و بین النهرین (مسی یونامیا) یافت شده بود بخاطر می آورد و انگاه کرده و بحجاب که منشأ و مبدأ مدنیت هند را تا اینوقت معلوم و محقق داشته بود یکباره سبک و شده آمال و امید سابقه آن يك دوره دو هزار ساله کسب طوالت و درازی نمود لهذا امروزه هندوستان نیز در صف پیش آهنگان مدنیت یعنی مسی یونامیا (بین النهرین) و مصر گامزن و همقدم شده میباشد .

حفریاتی که در تحت نظر و هدایت سر جان مارشل (۱) و معاونت مسترار نث مک (۲) در دو مواقع وادی اندوس (سند) که یکی آن در مهنجود برو (۳) واقع در سند و دیگر آن در هریا (۴) واقع در پنجاب میباشد بعمل آمده امروزه قسمت معتناهای این مواقع را کشف و معرض نایش آفتاب قرار داده است چنانچه توفیق مشاهده آن باهل ذوق حاصل شده میباشد ؛ این مملکت عجالتاً یکی از بایر ترین مناطق هند بوده و از حیث جمعیت نیز نسبتاً فقیر گفته میشود

(۱) Sir John Marshal (۲) Mr. Ernest Mockoy (۳) Mohenjodaro (۴) Harappa

چنانچه در هنگام گرمی بعد از نصف روز بیابانهای خشک و بابر آن يك قطعه سراب بنظر می آید اما پنجهزار سال قبل با داشتن يك آب و هوای نهایت خوش و موافق ، يك مدینت خیلی بزرگ و مهندسی را در بالای خود می پرورانیده . شهرها و بلاد آن با تامل و تماماً از روی غور و سنجش نقشه شده و با اصول و نمونه های جدید امریکائی بشکل مستطیل قائم الزوایا ساخته شده میباشد طرز و سیستم که راجع بحفظ الصحه و جلو گیری از نفعن و کندگیها در شهر های مذکوره معمول و متداول بود ازان چیزهای که قبل از قرن نهم در اروپا درین باره اجرا پذیر می بود بمراتب بلند و عالی مشاهده میشود . مردمان مملکت مذکور با ستعانت کشتیهای خودشان در اجار باز و فراخ سیر و سیاحت و دریا نوردی کرده علاوه تا بصنعت خط نویسی نیز وقوف و معرفی داشته اند چنانچه مطالعه و مشاهده بعضی آثار و نقاشی های آنها اهل صنائع مملکت مذکور را همقطار استادان قابل و با ذوق نشان میدهد . هر چند هما قدر چیز های که در سرزمین مذکور تا اکنون مرئی و ظاهر گردیده تا درجه برای فهمیدن معیار مدینت آنجا کفایت کرده میتواند با اینهم مردمان هنوزه با کلند ها ، غربالها و یلهای خود مصروف صاف کردن و دور نمودن رنگهای تقریباً پنجهزار سال ماقبل میباشد . در مهنجودرو (۱) چندین کوچه های عریض و مستقیم کشف شده که بصورت واضح مرئی میباشد اما از شهر مذکور دیگر آناریکه بمفهوم نام او یعنی (موضع سرک) مطابقت کند مستفاد نمیشود . یکنفر میتواند در سرک پخته کاری و همواری که باخشت های پخته بترتیب موزونی فرش شده سیر و هوا خوری نماید در هر دو طرف این سرک دیوار های دو عدد خانه های که بطرز مستقیم و متحدالشکلی بنا یافته اند ممتد شده است ، بجز اهای آبیکه در وسط کوچه های شهر مذکور حفر شده و با اصطلاح عصر حاضر بيموژد نیست کائالیزاسیون شهر مذکورش بخوانیم تماماً با آجر یا سنگ پوشیده شده و علاوه در فواصل معتدله آبرو های مذکور اطاق های مخصوصی ساخته شده که در عین زمانیکه برای جذب و جلب آب تا درجه کار میداده اند سوراخها و دریچه های نیز در آنها تعبیه شده که عندالضرورة کار صاف نمودن آبرو های مذکور هم از اطاقهای مذکور گرفته میشده اغلب خانه ها شهر مذکور با ستثنای قسمت چوب کاری آنها که نابود شده است بخوبی محفوظ و مصئون مانده میباشد خانه های مذکور که بدور حیاتیهای کوچک کوچکی تعمیر یافته و لوازم وضع و ترتیب زینت های آنها که در قسمت خارجی خانه ها کائن هستند معلوم میشود ساکنین آنها بطرز نهایت ساده و عاری از تکلفات زائده زندگی می نموده اند معیناً خوش بنا و با سلیقه بنظر می آید ، در هر يك خانه اطاق مخصوص برای استحمام که بعبارت دیگر طشباب یا غلغله خانه بایست گفته شود موجود بوده و بعضی هاهم مواضع و شکافهای مخصوصی از برای دور نمودن خاک و به و فضلات داشته میباشد .

(۱) Moheujo-daro

در دیوار های خانه ها تنها و لوله های را که از گل کلالی ساخته شده و بطرز ظروف گلی پخته گردیده اند طوری نصب کرده میباشند که عموم رسوبات و فضلات خانه بذریعه آنها بآب رو عمومی بین کوچه رفته و سوق داده میشد در شهر مذکور چاه بکثرت وجود داشته چنانچه در پخته کاربهای متعلقه اکثر آنها جاهای که دلورا میگذاشتند و از گذاشته شدن منمادی آن خورده و سائیده شده و همچنان سائید گیها و ناوه های که از استعمال ریسپانهای چاهای مذکور بعمل آمده بوضاحت مشاهده میشود بعضی خانه ها از ملاحظه بعضی علامات معلوم میشود دکات بوده چنانچه بعضی از آنها میخانه و برخی کار خانه رنگریزی بوده و در آنها که دکان رنگریزی هستند حتی خم های رنگریزی نیز هنوز در مواقع معینه آن که برنگهای متعدد آلوده و ملون میباشند دیده میشود .

دلچسپ ترین عمرانات مهنجودیر و یکمعدد حوض موزون کار های صحی و تنظیفی : و باعظمت است که میتوان یک پارچه نهایت قابل القدر آجر کاری و حجاریش شمرد آجر های این حوض تماماً باسمنت رقم سنکک چونه بهم ملحق و کار شده میباشد و در گرداگرد آن خرابه صومعه بلندی کائین است که در عقب آنها بکفطار غسخانه های کوچک کوچکی ساخته شده که رویهمرفته این علامات ظاهر میسازد حوض مذکور یک حوض مقدسی بوده که مردم گناهان شان را بطوریکه امروزه در دریا های مقدس هندوستان میشوند در آن شستشو میکنند و اما غسخانه ها هم محتمل است برای اجرای مراسم غسل تعمید (۱) بکار میرفته . مردم این شهر عشق و علاقه مفراطی بیاکی و سترگی داشته اند چنانچه در حوض مذکور آبرو مخصوصی نیز برای تبدیل نمودن آبهای مستعمل آن باریت اصولات مهندسی تهیه گردیده . هر چند طابق کار و نواقح ضعیف است آبرو مذکور معلوم نمیشد اما از همان قسمت که مکشوف شده و یکنفر آدم بخوبی در میان آن استاده شده میتواند ظاهر میشود که آبرو مذکور سقف ماهی پشت مستحکم داشته . لهذا از ملاحظه این شواهد میتوان باطمینان خاطر حکم نمود که شهر های قطعه مذکوره تشکیلات بلدی مقتدر و منظمی که فنون مهندسی و تعمیرات بلدی را بخوبی میدانسته و هم راجع باصولات حفظ الصحة بمراتب بهتر از آنچه اجداد ما چهار پنج پشت قبل می فهمیدند معرفت و وقوف داشته دارا و مالک بوده اند . تفریق و امتیاز کوچه های متولین و غربا ابدأ احساس نمیشود چه تا حال هیچیک قصر و کوشکی دریافت نشده و هم معلوم نیست آیا این مردم پادشاهی داشته اند یا از طرف دست روحانیون اداره می شدند .

با ذکر مراتب فوق هنوزه بسیار چیزهای در هر دو مواقع باقیانده که بایست کاوش شود

(۱) Baptismal Rite

عجالتاً مستر ارنت مکی در مهنجو دیرو با امد و آرزوی فراخی در صدد یافتن و تفحص دروازه شهر و اگر ممکن شود بعضی پارچه های دیوارهای شهر و هم یک قبرستان می باشد و اما دیگر مواقع بدقسمتانه هنوز مساعده کاوش را نیافته اند اهالی قرأ و قصبات مجاور تا قرنهاى عديده این شهرها را همچو معادن خشت پخته تحت استعمال و استفاده خودها قراردادده و از (هریا) حتی بسیارترین مواد کارآمد راه آهن تهیه می شده اما این مسئله که شهرهای مذکور ابداً دیواری نداشته تقریباً ظاهر و هویدا شده است و همچنان راجع بجنکجوتی اهالی شهرهای مذکور هم آثار و علامات بسیار قبلی به ظهور بیوسته و معلوم می شود که زره و سایر سلاحهای تدافعی اصلاً استعمالی نداشته چنانچه هیچک نشان و اثریکه اقراض تمدن مذکور را بمانند اقراض مدنیت جزیره کرت (۱) در نتیجه حادثه سو کدام جنگ بیهوده نشان بدهد مشاهده نه بیوسته .

ملاحظه چیزهاییکه تا کنون کشف گردیده شناختن حقائق حیات و مفهوم زندگانی را که تقریباً پنج هزار سال قبل در کوجه های صاف و منظم این شهرها بر سر میرفته تا درجه زیادی ممکن و محتمل می شود عموم اجناس و اختراعات مقدماتی که یک مدنیت را بوجود می آورده درین شهرها ساخته شده و مشاهده می رسد اما نسبتاً تازه تر - چاقوهای سنگ چقاق که یکی از اختراعات مدنیت های قدیمه و معمول آن مدنیت ها است هم درین شهر مورد استعمال روزانه اهالی بوده و علاوه تا داسهای آنها کاملاً عبارت از سنگهای خشن و درشتی بوده که در عین زمان برای تیز کردن کج بله های شان بعوض بلونیز مستعمل میشده .
لذا ، گفته میتوانیم که مستوای مدنیت آنها را از استعمال آلات مس و بعد ازان آلات برنجی و طلا و نقره که نیز کار میشده میتوان درک و استنباط نموده اساس و مدرک تمدن مذکور را روی همین اصلها قرار داد اما آهن چنانکه معلوم میشود که یک فلز بالمره نامعلومی بوده - گندم و جو و کون قوت الحی این و غیره را در این شهر کشف کرده اند و نیز در ناحیه مذکور معمول بوده و شاید برای اول دفعه در تاریخ - چه پارچه نهایت قیمتی يك البسه یبشی هنوزه بر جا مانده - صنعت کلالی معلوم میشود در این شهر و اقراض بصورت ظروف خشن و درشتی که با دست ساخته میشده جریان داشته و اما رفته رفته طرز آن با ظروف که ذریعه چرخها درست گردیده و بروی سطحهای سرخ آنها با سباهی قووشی هم رسم میگرددیده و حتی ظروف مجسه دار و متلون ترق کرده .

عدم رواج و معرفت اغذیه نباتی هندوستان تا آن وقت هنوزه و قوف و معرفی تغذیه نباتی نداشته اند چنانچه قسمت عمده خوراک آنها را گوشت تشکیل میداد و بنا بران فقط دو قسم از مواشی را (که شامل نسل و جنسهای گویاندارا مروزی می باشند) توانسته بودند تا آن هنگام اهلی بسازند ؛ از قبیل گاو میش های

(۱) Crete

آبی - گوسفند - خوک - بز و دورقم سگ - بر علامه اینها قبل را نیزمی شناختند چنانچه در یکی از آثار مکشوفه حتی قبل براق زده نیز به مشاهده می رسد و علی هذا لنیاس مشاهده يك اسب قشك و خوش قواره گلی که ظاهراً گدی و بازیچه بوده و در جله چیزهای مکشوفه نمونه منحصر فردی می باشد ثابت و مدال می نماید که مردمان مذکور این حیوان را نیز می شناخته اند اما آ تقدرها معمول و متداول نبوده . و اما هیچیک آثار و نشانی که بر وجود اشتراکات نماید ظاهر نشده . استعمال عرابه ها نیز در ککوچه های بخته کاری مذکور معمول بوده چنانچه اکتشاف چندین نمونه های گلی آن این مدعا را ثابت می سازد این عرابه ها کاملاً بطرز عرابه های بسیار قدیمه که مثال آنها را دهاقین و روستائیهای سندی امروزه نیز استعمات مینمایند بوده اند . اطفال این مردم نیز اوقات خوشی بسر می برده اند چه گدی ها و بازیچه های باشکال برنده ها در حالت نفیر و صوت زدن و بر علاوه نصب شده بر عرابه ها و بشکل ترگا و های که در حالت سر جنبانی هستند و موید این نظر به شده میتواند بکثرت مکشوف گردیده . اوزان و مقادیر نیز ترتیب خوبی داشته چنانچه اجزای آن تا اندازه نهایت کوچکی فرو میرفته . ممکن است صنعت خاتم کاری نیز بقرض آرایش و تزئین اثاث الیبت رائج بوده اما قسمت چوبکاری آن بالکل از بین رفته و تنها حصه صدقکاری آنها در بعضی نمونه های بسیار نفیس از قبیل يك نمونه صلیب مانند چو ککلت شده و يك نمونه دیگر سواستیکا مانند و بعضی گلکارهای دیگر بر جا مانده - اسناد و نوشته هایی که در بعضی آثار و کتیبه ها منقوش شده در رشته سیر تکامل نوشته های قدیمی اهمیت و درجه اولی را حاضر شده میتواند و چنان ملاحظه میشود که علامه های معینه نمائنده حروف و اشکال هر يك از این اشکال را تعبیر مینموده چنانچه ناچار تمام کوشش های که از برای استخراج معنی آنها بعمل آمده ناکام و عتیم مانده خط مذکور را میتوان بهمان خانه و ادله که خط مبینی سواحری نسبت دارد منسوب نمود لاکن هر يك از این دو خطوط بالمره فاقد فصاحت میباشد علی ای حال این خطیکه در هند وجود داشت نمونه بسیار قدیمی الفبای که امروزه مورد استعمال است میباشد و اما بلعکس وقتی از مطالعه ظروف و اوانی گلی و سایر آثار و آبدات بکتاب مذهب مروجۀ این مدنیته کهنه توصل و نشبت می گردد (دانستن که و حقایق عقائد آن فوراً ممکن و میسر می گردد) زیرا ملت مذکور معتقد یکی از عقائدی که در جله عقائد ملل قدیمه می گویند بلندترین آنها می باشد بوده اند و معبوده را بنام مادر بزرگ می پرستیدند تصورات و توهمات این معبوده شان هر چند بسیار ظالمانه بنظر می آید اما در عین حال معبوده مار قدیمی جزیره ککرت را بخاطر می آورد و از طرفی یقین نمائند سایر دهاقین قدیمه این هندیها نیز روح نباتات و حاصل خیزی را که مظهر آن درختها می باشد ستایش می کرده اند .

درخت پیدپیل : به نزد مردم مذکور مقدس ترین درختها درخت پیدپیل شناخته شده بود يك قطعه از آثار مكشوفه يك بزى را كه بان درخت قربانى مى کرده اند نشان مى دهد چنانچه در قرآ و قصبات سند رسم قدیم هديه و بیشكشى بان درخت تا اکنون نیز معمول و مروج مى باشد اثر دیگری عروسی و ازدواج دو درخت را نشان مى دهد که عادت مذکور تا اینوقت هم در هند متداول است در جمله آثار مكشوفه مجسمه معبوی که در مسی پوتامیا نیز معروف بوده ظاهر گردیده است که شبیه برمدی شاخدار و دارای پاهای بمانند پاها و سمهای گاو وحشی مى باشد و جنات معلوم مى شود که با نهرمان تمدن سومر بها موسوم به گیلامش (۱) که مى گویند برای اول دفعه انسان را تعلیم مدنیت داده رفیق و انباز بوده ؛ مجسمه این معبود که در مسی پوتامیا (بین النهرین) با شیری در نبرد مشاهده میشود در هند با بیری در آ و بخته است . نمونه های سیوا (۲) که یکی از معبود های هندوستان جدید نیز میباشد بسیار بنظر مى آید و وضع و حالت يك معبود دیگری که بمانند يك یوگی (جوگی) چهارزانو نشسته ناظر را مجبور میسازد بودار را بخاطر آورده و سوال نماید که آیا میشود در قرون آینده نیز احکامات و تعالیم معابد مذکوره طرف قبولیت و اذعان واقع شود ؛ بعضی مجسمه های دیگری نیز که شباهت دلچسپی دارند مکشوف گردیده چه وضع و بشره و حتی عادات و عنعنات ، این هنرهای قدیمه را تا درجه زیادی شباهت مینماید این مجسمه ها انسانهای نسبتاً چاق و چله را که دارای پیشانیهای کوناه لبهای کلفت و سطر و بینی های برجسته و بلندی میباشد معرفی مینماید و بش در بعضی از آنها مشاهده میرسد اما آثار بروت در هیچکدام آنها بنظر نمیرسد موهای این ها بتوسط موی بندی بسته و بصورت کلوچه در پشت سر يك طرز بسیار عجیبی که مابین سومر بها نیز معمول بود وضع شده میباشد لباس مرد ها را عموماً شالی که از بالای شانه های چپ آنها دور خورده و با اشکال شبدری و سه برگه مانند تزئین شده تشکیل میدهد . این نمونه ها و اشکال در بین سومر بها مفهوم مذهبی داشته در فرنیچرو اثاث البیت شاهی مصر نیز استعمال شده میباشد . این مجسمه های که محتمل است عامل آنها کوشش کرده اشخاص مقدس و روحانی را بصورت های معمول و متداول آنها نشان بدهد بهیچوجه صنعت و مهارت استادان قدیمی هند را بصورتیکه شایسته است معرفی نمیکند چنانچه مشاهده دوسه عدد تصاویر كوچكى مدلل مینماید که قوه تنبع و اختراع و استعداد مرشار آنها فقط در مورد کشیدن تصاویر حیوانات منحصر نبوده بلکه اگر میخواستند می توانستند اشکال انسانها را نیز بصورت بدیع و مقبول بکشند . دلچسپ ترین این تصاویر بصورت دختر رقاصه ایست در برنج که متعلق به مهنجود پرومی باشد و گمان می شود از میان تمام رقاصه های نوع بشریکه از دنیای قدیم باقی مانده همین يك نمونه تنها و منحصر بفردی باشد چه دختر مذکور بعد خواب پنجهزار

(۱) Gilamesh (۲) Siva

سأله خود اینک باز به پیش ما دلت افشان و یای کوبان در حالت رقص مشاهده گردیده و می شود خلق و خوی آنرا در ناصیه آن قرائت نموده و حتی سجایا و سیرت باطنی او را حدس زد جسم این دختر سوای دسپتا و بازوهای آن که با دست بندهای پوشیده شده و گلوی مذکور که با طوق احاطه شده است تماماً لچ و برهنه می باشد .

راجع باین مدنیت مخفی که اهل فضل عائد بآن خلی ها ۳۰۰۰ سال قبل المیلاد : مباحثه و تعاطی افکار خواهند نمود سوالات زیادی وارد می شود چه هیچکس نتوانسته از مشاهده این مواقع راجع با آغاز و بدایت اختراعات و ایجادات که با وسیله آنها ملت مذکور از خارج شدن دور سنگی دست و پا زده و کوششی نموده اند چیزی بفهمد و آنکا میتوان گفت که این مواقع آقدرها تاریخ طولانی نداشته چنانچه اهل کاوش و حفاری عمر مہنجد پرورا منجمه سه هزار سالهای قبل المیلاد فقط پنجمصد سال تخمین مینمایند یعنی همان پنجمصد سالیکه دوره وسطی سه هزار سال قبل المیلاد را اشغال نموده باین ترتیب که یکپزار سال اولی این دوره سه هزار ساله قبل المیلاد را شهر مذکور تماماً با کمال و اتمام فنون نویسنده گی - کلالی - نقر و ترسیم کتیبه ها - آجر کاری و حجاری - بافندگی - زراعت و بالاخر صنایع فیزی بسر برده و پنجمصد سال دیگری راجع که عبارت از همان پنجمصد سال متذکره یعنی دوره پنجمصد ساله وسطی دور سه هزار ساله قبل المیلاد باشد بحالت تکامل و ترقی انتہائی گذشتانده و از آن بعد و بزوال گذاشته و معلوم نیست چه وقت تمدن آن بالمره نیست و نابود گردیده در برابر این سوالات که آیا؟ چه مقدار منجمه این آثار و اجناس صعب العمل که سلسله اختراعات ابتدائی را تشکیل میدهد در خود وادی اندوس (سند) ساخته و بعمل آمده و چه تعداد آنها هم بالواسطه اجنبی ها آموخته و توریید گردیده هیچ جوانی تا حال پیدا نشده - متخصفین که ذذوق در شعبه متعلقه تخصیص یافته اند فقط همینقدر درک و فهمیده توانسته اند که یک ربط و شباهت کلی و یقینی فیمابین خانوادہای این مدنیت و مدنیت های شکوہ میز و عیلام موجود می باشد - لهذا اگر اولین نتیجه که از طرف یک نفر راجع به هندوستان قدیمیکه از طرف سر جان مارشل در آن کاوش بعمل می آید و مدنیت شرمیری که در « اور » (۱) ذریعه مستر و ولی (۲) یافته شده است قرار فوق یعنی عبارت از تناسب و تشابه دو مدنیت با هم است طبیعی نتایج دیگر نیز بتعقیب نظریه فوق موجود شده میتواند - زیرا این اکتشافات تازه در معلومات که راجع بتمدن هند موجود بوده تغییرات کاملی وارد نموده زیرا دوازده سال قبل آغاز مدنیت هند را با هجوم و استیلای آریان ها در پنجمصد توام گمان مینمودند و اینک ما بجهت مزید معلومات قارئین محترم عین عقاید را که سابق بنزد هندوهارا راجع بنظریه فوق شان موجود بوده ذیلآ تذکار مینمایم :

(۱) Ur (۲) Mr. Wolley

« آریین ها بدو از مساکن و خانه های متعارف و معمولی شان که با اجداد بسیار قدیم مایان مشترکاً زیست مینموده اند بهر ملاحظه که بود شروع بمهاجرت کرده و شعبه هند و آریین آنها بطرف جنوب و شرق ره ییجا و بالعاقبت ممکن است تقریباً در حدود ۱۸۰۰ قبل المیلاد بهند موصلت نموده اند از ملاحظه اشعار مقدسه آنها توانستیم چیزهای را که ایشان خیال داشته و در گذشته طرف مبل و خواش آنها قرار می گرفته فهمیده و باستعانت آنها تا درجه را جمع به هويت ساکنین آنها يك فیصله بدیم ، چنانچه پس از ملاحظات و تطبات مند کرده ظاهر شده که ایشان مردمان سیاه چرده و بقدری زشت و بد قواره و حیوان منس بوده اند که می بایست بالمره منقرض و منهدم گردیده و یا اقلاً بفلامی گرفته می شدند »

این بود نظریه که در سابق هندبهای پیش خود داشتند اما در یرتو معلومات که تازه کسب گردیده ظاهر می شود که نظریه فوق پیش از افسانه که فقط برای کاستن و تدکین دادن افتخارات آریین ها بافته و اختراع گردیده دارای کدم حقیقت و اصلیتی نمیباشد و انگاه معلومات تازه ثابت و مدلل می نماید که آریینها یا اینسکه قبائل مالدار جا در نشین بوده و از اصول نوشتن و حیات مدنی چیزی نمیدانستند ، مهمدا صکر و سر بازهای شجاع و بهادری بوده و شکفت نیست وقتی ایشان شهرهای صفا و منظم را مشاهده کرده اند مست و واله شده باشند در اول انعام گمان می کنند که ایشان پیش از مهاجرت و چو کنند کافی که محتمل با مغلوبین خود ها هم همان هیچ روی می کردند نبوده اند اما چنان معلوم می شود که بعد از وقتی ایشان آنقدر با تمدن و مودب شده اند که بمثل شاگرد و تلمیذ نهایت مطیعی در تحت زانوهای همان مغلوبین خود می نشسته اند آریین های مذکور زبات و اشعار مقدسه خود را در آنوقت حفظ کرده توانستند بعلیقه رفته همان معبود های که سابقاً عبادت می شدند و در مرتبه کسب اعتبار نموده و با عودت اعتبار آنها تمام شعایر قدیمه ارقییل سحر و جادوهای سابقه و سایر توهمات فتل و غم افروزان کهنه معاودت و تداول نمود چنانچه سیوا عیناً بقرار پنجهزار سال قبل در پامرون نیز هند در معبود متعارف و مشهور است .

